

ایران صغیر

یا

تذکره شعرا و شاعرانی که در ایران کشته شدند

تألیف

خواججه عبدالحمید عرفانی

با مقدمه بقلم آقایان:

ادبه کرمانی

دکتر رضا زاده

سینا

از نشریات

چاپ اول

۱۳۳۵ - تهران

چاپ خودکار ایران

به پیشگاه شاهنشاه محبوب و ادب پرور ایران کبیر

اهلبعضرت محمد رضا شاه پهلوی

بیاس روابط خلل ناپذیر ایران و پاکستان و بیاد
خاطرات خوش ایام خدمتگذاری خود در میان اساتید علم
و ادب و برادران مهمان نواز ایرانی این مجموعه را که ایران صغیر
نامیده شده و نمونه‌های از نفوذ ادبیات فارسی در کشمیر میباشد
بمصدق کریمه: هذه بضاعتنا ردت الینا تقدیم میدارد.

خواجه عبدالحمید عرفالی

بقلم دکتر ناظر زاده کرمانی

رئیس انجمن ادبی ایران و پاکستان

ایران صغیر

من هر وقت نام کشمیر را میشنوم مطابق توصیفی که ازین سرزمین افسانه آمیز و خیال انگیز شنیده و خوانده‌ام در مناطق سرسبز و خرم و باصفائی را بچشم می‌آورم که در میان حصاری طبیعی از کوه‌های بلند پر برف قرار گرفته و جلوه‌های بهشت آسای آن دل و جان را نشاط و طرب می‌بخشد. برآستی اگر این حدس برخی از مورخان را بپذیریم که نام کاشمیر یا کشمیر بمناسبت اقامت مردمانی در این منطقه بوده که آنرا کاش میخوانده‌اند و اینان همان طوایفی بوده‌اند که کاشان نیز منزلگاه دیگر آنان بشمار میرفته است، و همچنین اگر مطابق تحقیق بعضی از شرقشناسان

قبول کنیم که زبان کشمیری هم یکی از لهجه‌های زبان فارسی است ، بعلاوه شباهت فراوان مناظر و آب و هوای کشمیر را نیز با نقاط پر از درخت و سبزه و گل و گیاه مناطق شمالی ایران در نظر بگیریم ، آنگاه کمال تناسب نام (ایران صغیر) بر این سرزمین زیبا و مصفاى اندیشه آور و شاعر پرور آشکار خواهد شد و پیداست که هماهنگی و نکته سنجی و سخن-پردازی گویندگان زبردستی که از کشمیر دلپذیر باشاعران پارسی زبان هم آواز و دمساز شده‌اند ایران صغیر را بایران کبیر نزدیکتر ساخته بقسمی که پنداری کشمیر قطعه‌ای از خالك عزیز ایران بشمار میرود که باشتباه از آن جدا افتاده است .

از اینرو هر ایرانی سخن شناس میتواند صدای آشنای شاعران هنرمند کشمیر را هر چند از راه دور باشد باز شنود و با سرودهای دلکش آنان که بوصف کشمیر پرداخته‌اند همداستان گردد :

هزار قافله شوق میکند شبگیر

که بارعیش گشاید بعرصه کشمیر

تبارك الله از آن عرصه‌ای که دیدن آن

ورق نگار خیال است و نقش بند ضمیر

یا :

فیض پیاله بنخشد آب و هوای کشمیر
از خشت خم نهادند گویا بنای کشمیر
چون خاک عشق بازان هر لحظه در مشام
بوی محبت آید از کوچه‌های کشمیر

یا :

خوشا کشمیر و خاک پاک کشمیر
که سر برزد بهشت از خاک کشمیر
بود مایل بسبزی خاک پاکش
مگر آب زمرد خورده خاکش
در این گلشن ز جوش خنده گل
نمی آید بگوش آواز بلبل

یا :

پیام عالم بالا که گوش تشنه اوست
ترانه‌ایست که با آشار کشمیر است

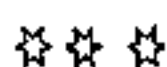
یا :

تعالی الله زهی گلزار کشمیر
که دروی غنچه‌ای هم نیست دلگیر

در این گلشن که بساد آباد جاوید

لطافت را مجسم می توان دید

باری حق آشنائی دیرین و شوق همزبانی پیشین ما را
بر آن میدارد که در کشمکشهای سیاسی که بر سر پیوستگی
کشمیر بپاکستان یا هندوستان در این چند سال پیش آمده
و آسایش مردم آنجا را خواهی نخواهی تباہ ساخته است بجان
و دل آرزوهند باشیم که کشمیر بان بیگناه از این بیش رنج
و آسیب نبینند و میل خاطرشان هر چه هست محترم شمرده
شود و ماجرای غم انگیز آنجا پایان پذیرد .



دوست پارسی پرست ما خواجه عبدالحمید عرفانی که
یاد وی همواره زبانزد دوستان ادبی و مطبوعاتی اوست با تالیف
کتاب ایران صغیر یا تذکره شاعران پارسی گوی کشمیر
خدمت ادبی دیگری بر خدمات پیشین خود افزوده و فهرست
زیبائی با نمونه آثار گویندگان کشمیری فراهم نموده در
دسترس دوستان شعر و ادب گذارده است .

قدر این راهنمایی ادبی را کسانی میدانند که خواسته
باشند تذکره مفصلی در این باره تهیه کنند یا شرح حال و

آثار يكيك اين شاعران را بتفصيل بنويسند و در هر صورت كتاب ايران صغير مجموعه‌اي سودمند و متضمن شرح حال مختصر و انتخاب پسندیده‌اي از اشعار شاعران ديوار كشمير است كه آقاي عرفاني مدتها پيش آنرا فراهم کرده و براي چاپ در اختيار آقاي رمضان‌ي ناشر فعال و مدير كتابفروشي ابن‌سينا گذاشته و خود براي انجام خدمتي ديگر (اداره و انتشار مجله زيباي هلال باكستان) بكشور خويش بازگشته است .

كتاب ايران صغير بهر لحاظ خواندني و داشتني است و زحمتي كه مؤلف باذوق در تدوين آن متحمل شده فراموش نشدني و اميد است آقاي عرفاني باعشق بسياري كه به ادب فارسي دارد توفيق خدمت بسيار يابد و در اينراه از كوشش خود بهره‌مند باشد .

تهران - دي ۱۳۳۴ ناظر زاده كرمانی

مقدمه

از آغاز روزگار جوانی نام کشمیر را در کتب ادبیات فارسی خوانده و آواز زیبایی و لطافت و وصف آثار صنعت آنجا را شنیده بودم و مانند هر ایرانی با آن کلمه مانوس بودم. ولی سالها گذشت تا فهمیدم چه ارتباط قدیم و قویم ادبی بین ایرلن و کشمیر وجود داشته. انسان وقتی انتشار و نفوذ عجیب ادبیات فارسی در آنجا متوجه میشود و از وجود صدها شاعر فارسی زبان در آن دیار مرتفع مصفا که در پای بلندترین کوهستان جهان یعنی هیمالیا امتداد یافته اطلاع حاصل میکند نیروی ذوق و خیالش میخواهد تا ارتفاعات آن کوهستان پرواز کند تا از آن آفاق بلند پهناور بحریم کشمیر نظاره نماید و سیر تاریخ عجیب آنجا را در یک نگاه دریابد

(ب)

داستان و تاریخ کشمیر نزدیک دو هزار سال زمان دارد و از منابع داستان آنجا یک مهمترین منظومه موسوم به «راجه ترنگینی» سروده «کلپنه» داستانسرای نامیست و آن در کلیه قاره هندوستان منحصر بوده و نظیر ندارد و میتوان از لحاظی از او با شاهنامه مقایسه کرد که در واقع فقط حدود صد سال بعد از شاهنامه بنظم کشیده شد.

کشمیر (یا کشیر) که شاید بحکم وضع جغرافیائی خود از نفوذ و حمله اغلب مهاجمین هند از اسکندر و چنگیز و تیمور و بابر تا نادرشاه مصون مانده مرکز حکومت‌های محلی هندی در بعد اسلام بوده و در دوره نفوذ اسلام و ایران که از قرون اولیه اسلام در آن دیار آغاز میکند و توسعه می‌یابد فرهنگ و زبان ایران بسطک عالم و ادب و بدست گویندگان سخن سنج توسعه میابد.

این سابقه لزوم کتابی غیر از کتاب تاریخ که بتواند ما را از انتشار ادبیات و زبان فارسی در کشمیر مطلع سازد بشدت محسوس بوده است. نگارنده این سطور چون

(ج)

در بهمن ماه سال گذشته در قاهره تاریخ کشمیر دو جلدی
تالیف دوست دانشمند پاکستانی خودم آقای دکتر صوفی را
حضور خودشان تصفح کردم در مدت کوتاهی که در اختیارم
بود یکبار دیگر بوسعت و اهمیت ارتباط ادبی ایران و
کشمیری بر دم و ضرورت نشریه‌ای را بفارسی در اینباب
بمنظور اطلاع ایرانیان بلکه تمام فارسی زبانان جهان دریافتم.
چون از سفر مصر برگشتم چندی نگذشت با کمال مسرت
اطلاع حاصل کردم که فاضل محترم آقای عبدالحمید عرفانی،
وابسته محترم فرهنگیه سفارت پاکستان در راه همین مقصود سالها
رنج برده و تعدادمندی از گویندگان فارسی کشمیر را با نمونه‌های
بارز و برگزیده اشعار آنان بشکل کتابی گرد آورده‌اند. این
کتاب نفیس را بیدریغ چند روزی در اختیار اینجانب
نهادند و از مطالعه آن بسی خشنود گردیدم و بغیرت و همت
مؤلف دانشمند آفرین گفتم. اکنون آرزو و دعائی من
اینست هرچه زودتر این مجموعه بهتکرانه بجلیه طبع‌اندز
آید و تشنگان علم و ادب را از زلال هنر و اشعار فارسی

(د)

چون شكر سيراب نمايد . از خداوند كاميابي مولف محترم
را در اين خدمت شايد و خدمات ديگر نظير آن مسئلت
ميدارم .

دکتر رضا زاده شفق

طهران اردیبهشت ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی

مقدمه مؤلف

پنج سال پیش مقالاتی چند درباره شعرای کشمیر نوشتم که در روزنامه های مهر ایران و بهرام منتشر شد و مورد توجه بعضی از دانشمندان ایران قرار گرفت .

مرحوم م.ا.ك الشعراء بهار بالاخص از اینجانب تشویق نمودند و يك نسخه خطی از دیوان جويا کشمیری را (که شاید منحصر بفرد باشد) به بنده بعنوان هدیه لطف فرموده و خواستار شدند که رساله راجع به شعرای کشمیر برای استفاده برادران ایرانی و شعر دوستان هند و پاکستان منتشر کنم .

بعلت گرفتاریهای گوناگون اداری و در دسترس نبودن آثار بعضی از شعرای کشمیر نتوانستم این کار را انجام دهم . تادر این اواخر تصمیم گرفتم که با استفاده از مطالب و منابع مختصری که در دست میباشند این رساله را انتشار دهم . تا شاید این شرح مختصر بعضی از دانشمندان و نویسندگان ایران را تحریک نموده و وادار بتألیف کتابهای مفصلتر و جامع تری

در این باره نماید .

اینجانب سعی نمودم که از بیان شرح و تفسیر اوضاع و تحولات سیاسی خود داری کرده و یگانه هدف خود را که معرفی بعضی از شعراء پارسی زبان کشمیر است معرفی نمایم .

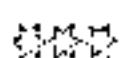
برای تبیین محیط که کشمیر را بعنوان (ایران صغیر) در آورده تذکر مختصری از اشاعه اسلام و نفوذ ایران در آن خطه داده شده است . همچنان ناگزیر بودم روشن نمایم که چگونه در صد و پنجاه سال اخیر آن ملت نجیب ادبیات و فرهنگ بزرگ خود را از دست داده و مناسخ ادبی او در گوشه های گمنامی و فراموشی افتاده است .

اینجانب برای اخذ اطلاعات تاریخی بیشتر از (کشیر) تألیف استاد صوفی که کتاب جامعی است که در تاریخ کشمیر نوشته شده استفاده نمودم و بان مرد دانشمند که ملت کشمیر را بدنیای امروزی معرفی کرده است درود میفرستم . امیدوارم که این ملت نجیب و با استعداد و خوش قریحه که بعد از ایران مهم ترین مرکز ادبیات فارسی در دنیا بوده از

(۳)

نعمت آزادی و استقلال بهره مند شده مقام معنوی و مادی
دیرینه خود را بازیابد .

مرحوم اقبال که سالها برای مردم آن سامان اشک
همدردی و تأثر و غم میریخته از آتیه آنها مایوس نبوده و ما نیز
نسبت به آینده کشمیر خوش بین و منتظر آزادی و ترقی و
تعالی آنها میباشیم .



کشمیر و کشمیری

سر زمین زیبای کشمیر که اهالی آن خاک آنرا
کشیر نیز مینامند مثل يك نگین زمردیست که کوههای
سر بفلک کشیده و برف پوش دور تا دور آنرا احاطه کرده اند.
رودخانه های بزرگ کشمیر را پاکستان غربی
متصل میکند. پاکستان غربی و کشمیر با هم يك واحد
جغرافیائی را تشکیل میدهند.

فلات کشمیر از حیث آب و هوا و مناظر طبیعت
بقسمت های سر سبز کوهستانی شمال ایران شباهت تام
دارد و بمناسبت این مناظر طبیعی و هوش و استعداد سرشار
مردم آن سامان با سم (ایران صغیر) موسوم بوده است.
اقبال در ضمن بیان بدبختی ها و محرومیت های مردم کشمیر
میگوید :

آج وه کشمیر هی محکم و مجبور و فقیر

گل جسی اهل نظر کپتی تپی ایران صغیر

(۵)

(امروز سرزمین کشمیر که در گذشته اهل نظر آنرا ایران صغیر خطاب میکردند، محکوم و مجبور و فقیر میباشد.)
و نیز در شرح خدمات حضرت علی همدانی در ترویج اسلام و فنون و هنرهای ایران در کشمیر گوید:

آفرید آن مرد (ایران صغیر)

با هنرهای غریب و دلپذیر

اسم کشمیر

راجع باسم کشمیر چند نظریه است: در کتب قدیم اسم (کاسامیرا) بمعنی خاک که از خشکانیدن آب بوجود آمده باشد ذکر شده و گفته اند کشمیر در هزاران سال قبل دریاچه‌ای بوده که خشک شده.

بعضی از مورخین حدس میزنند که اسم کاشمیر یا کشمیر بمناسبت وجود يك قبیله یا طایفه‌ای بنام کاش بوده که باین کشور آمده و در آنجا سکنی گرفته اند. بعقیده ایشان کاش و کاشان و کاشغر مسکن موقت آن طایفه بوده. این حدسیات مورخین صحیح باشد یا نه معلوم نیست. همیتقدر مسلم است که از ۲۲ قرن باین طرف اسم

کشمیر یا نامهای دیگری شبیه باین اسم در کتب تاریخ قدیم چین و هند ذکر شده است و تاریخ بلا انقطاع دو هزار ساله کشمیر نیز موجود است.

نژاد

در باره نژاد مردم کشمیر غیر از آنچه در بالا ذکر شد بعضی از انسان شناسان عقیده شان بر آن است که اقوام آریائی از شمال هند و پنجاب بکشمیر وارد و بابومیان آنجا مخلوط شده اند.

و ج . مودی در طی مقاله ای بعنوان کشمیر و ایرانیان قدیم اظهار نموده است که کشمیر نیز یکی از کشورهای بود که دین و نفوذ زرتشتی را قبول نموده و ارتباط هم کیشی با ایران قدیم داشته.

بعقیده نژاد شناسان در کشمیر نژادهای بومی و آریائی و سامی هر سه وجود دارد.

زبان

مطالعات و تجسسی که (سر گریسن) در مورد زبان کشمیر نموده باین نتیجه رسیده که زبان کشمیری

مثل لهجه پشتویکی از لهجه‌های زبان ایرانی است.

مشخصات

کشمیری اساساً متمایل ب فکر تصوف است و قسوه متخیله عجیبی دارد . تعلیمات ماوراء طبیعت بودا، و بعد از آن نفوذ افکار ویدانتا (تصوف هندی) در آن موثر بوده بنابراین بعد از قبول اسلام تصوف و افکار ماوراء طبیعه ایران نیز پذیرفته و این امر از مطالعه آثار شعرا و عرفای کشمیر کاملاً هویدا است و کمتر جایی است که مانند کشمیر شعر و یا تصوف ایران نفوذ و رواج کامل یافته باشد .

اسلام در کشمیر

اسلام در کشمیر بسرعت اشاعه پیدا کرد که از حیث مقایسه با تعداد مسلمانان کشورهای دیگر فقط از مصر و ایران و افغانستان کمتر میباشد. اشاعه اسلام در کشمیر در اثر اشغال کشور یا فشار نبوده بلکه نتیجه تبلیغ و تماس با مبلغین کشورهای اسلامی بالاخص ایران بود که در مدت نسبتاً کوتاهی مردم این سامان در حلقه اسلام در آمدند.

باید متذکر شد که قبل از حمله محمد بن قاسم به هند • عده‌ای از اعراب در قشون راجه داهر (که بر خاک وسیعی از سند و مکران تا سرحد کشمیر حکومت داشت) مشغول خدمت بودند.

بعد از شکست خوردن و کشته شدن راجه داهر بدست محمد بن قاسم پسر داهر با اتفاق يك نفر عرب بنام حمیم بن سامه که اصلاً از شام بود بکشمیر وارد شدند و بعقیده مورخین ابن سامه اولین مسلمانانی است که بکشمیر وارد شده و مورد تمکیریم راجه کشمیر قرار گرفت و تاریخ ورود او در

حدود سال ۷۱۵ میلادی میباشد .

از یادداشت‌های (مارگوپولو) سیاح معروف ایتالیایی معلوم میشود که در حدود سال ۷۷ - ۱۲۷۵ میلادی عده قابل ملاحظه‌ای از مسلمانان در کشمیر وجود داشته است - از منابع دیگر نیز پیدا است که چون مردم از کیش هند و رقیود سحت و تعقیدات شدیدش خسته شده بودند تعلیمات ساده اسلامی مورد توجه آنها قرار گرفته و علماء و روحانیون مسلمان در محافل دربار مورد تکریم بودند تا اینکه راجه هندوی کشمیر بنام (رنتنجانا) رسماً دین اسلام را قبول کرد و اسم سلطان صدر الدین بخود گرفت . قبول اسلام از طرف راجه (رنتنجانا) که واقعه مهمی در تاریخ اسلام کشمیر است بوسیله نفوذ و تبلیغ يك نفر تر کستانی که در کشمیر با اسم « بلبل شاه » یا بلال شاه معروف است صورت گرفت .

اسم اصلی بلبل شاه سید عبد الرحمن ترکستانی میباشد و او یکی از پیروان نعمت الله ولی فارسی و طریقه شهاب الدین سروردی بود .

اولین مسجدی که در کشمیر ساخته شده بدست بلبل -

شاه بوده و خرابه‌های این مسجد در مجله بلبل لنکر در سریناگار امر وزدیده میشود.

بلبل شاه در سال ۱۳۲۷ میلادی (۷۲۷ هجری) وفات یافت و خواجه محمد اعظم مورخ و شاعر کشمیر قطعه تاریخ را بمناسبت در گذشت بلبل شاه ساخته که اولین قطعه تاریخ در کشمیر شمرده میشود.

سال تاریخ وصال بلبل شاه

بلبل قدس گفت (خاص اله)

اشاه اسلام توسط شاه همدان

در اواسط قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی)

سید میرعلی همدانی باتفاق سید تاج الدین و سید حسین سمنانی پسران دانی اش رسید مسعود و سید یوسف و تقریباً ۷۰۰ نفر دیگر از سادات ایرانی برای تبلیغ اسلام بکشمیر مسافرت نمودند.

اسم شاه همدان نسبت بتمام مبلغین دیگر اسلام در کشمیر معروفتر است و امروز نیز خانقاه شاه همدان و مسجد شاه همدان در شهر سریناگار موجود است و بمناسبت

محبوبیت زیاد شاه همدان در تساریخ کشمیر اقبال در
جاوید نامه تجلیل زیادی از او کرده و میگوید.

سید السادات سالار عجم

دست از معمار تقدیر ام

تا غزالی درس الله هو گرفت

ذکر و فکر از دودمان او گرفت

خطه را آن شاه دریا آستین

داد علم و صنعت و تهذیب و دین

آفرید آن مرد ایران صغیر

با هنرهای غریب و دلپذیر

از همراهان شاه همدان عده زیادی در خاک کشمیر

ساکن گردیدند و بیشتر سادات کشمیر از احفاد و اولاد
آنها میباشند.

سید تاج الدین سمنانی و دو نفر از مریدان و همراهانش

سید یوسف و سید مسعود در شهر سریناگار محله شہام پور

مدفون هستند. برادر سید تاج الدین سمنانی سید حسین

سمنانی در یک مقبره نسبتاً زیبایی نزدیک اسلام آباد در

حدود ۶۰ کیلومتری سریناگار) مدفون است . اما خود
 شاه همدان هنگام مراجعت از کشمیر در نزدیکی شهرستان
 «هزاره» در گذشته و مریدانش او را طبق وصیت او در
 (ختلان) بخاک سپرده‌اند .

شاه همدان در زمان حکومت سلطان شهاب‌الدین
 بکشمیر وارد شد و «مقدم شریف» (۷۷۴ هـ) سال ورود او
 بکشمیر میباشد .

سال تاریخ مقدم او را - گفت از «مقدم شریف بجو»

(کثیر تألیف پروفیسور صوفی)

همکاران شاه همدان در سر تا سر کشمیر (لنگرخانه)

یا خانقاه‌هایی برای تبلیغ برقرار نمودند و تبلیغات ایشان
 که توأم با اخلاق بسیار عالی بود موثر واقع شده و در
 مدت کوتاهی مردم کشمیر مشرف بدین اسلام شده و زبان مبلغین
 اسلام را بادل و جان پذیرفتند .

میگویند مرتاضین هند و (شاه همدان) را مورد

آزمایش و امتحان قرار دادند و سپس در مقابل قوه روحانی
 او تسلیم شدند و دین اسلام را قبول کردند .

همچنین در تذکره ها نوشته اند که (لالا) معروفترین
 زن ابراهیم کشمیر (که زندگانی و شعر عرفانی او با باباطاهر
 بی شباهت نیست) در سن چهل و چند سالگی بدست
 شاه همدان مسلمان شد و نیز نقل میکنند که (لالا)
 مثل دیوانه ها نیم لخت و عریان در بیابان و آبادیها میگشت
 و شعر میسرانید و اگر مردی برویه او ابراد میگرفت
 جواب میداد که من بین شما مرد حقیقی نمی بینم و احتیاج
 به حجاب ندارم.

اتفاقاً روزی از دور چشمش به سید علی همدانی
 افتاد. فی الفور فریاد زد و ای! او مرد است و با عجله و شتاب
 مخصوص فرار کرده از آنجا دور شد و سپس لباس پوشیده
 بخدمت او رسید و مشرف بدین اسلام گردید، همین زن
 (شیخ نورالدین رشی) را که سر چشمه الهام بوده در دوران
 طفولیت شیر داده است.

بعد از شاه همدان بزرگترین شخصیت روحانی کشمیر
 شیخ نورالدین رشی بوده است.

در زمان کودکی شیخ رشی از نفوذ روحانی سید

تاج‌الدین سمنانی و نیز شاه‌همدان برخوردار بوده است .
 شیخ نورالدین در سن ۶۳ سالگی وفات یافت «شمس العارفین»
 (۸۴۲ هـ) تاریخ وفات او هیبشده . در اشاعه دین
 و تصوف اسلامی شیخ نورالدین خدمات شایانی
 انجام داده

(بابانصیب‌الدین غازی) در (نورنامه) شرح احوال
 و گفتارهای شیخ را به شعر فارسی بیان کرده است داستانهای
 کرامات و کشفیات آن قطب الاقطاب و مربی کشور
 کشمیر بر سرزبانها است .

بابا داودخاکی «در تجلیل از مقام او گفته است ،

شیخ نورالدین ریشی ، پیر جمع ریشیان

زاهدی خوش بود ، باحق داشت بسیار اشتغال

صاحب کشف و کرامت بود و نطق خوب داشت

هم او یسی بود ، گفت این راوی صاحب مقال

مربدان متعددی که شیخ داشت تعلیمات و فکر و

نظر اسلامی را در کشمیر وسعت دادند .

تقریباً صد سال بعد از سادات ایران که در قیادت شاه